

گزارش

خاموشی های مکرر و بی برنامه



خاموشی های اخیر در نقاط مختلف شهر تهران طی روزهای گذشته هرچند برای مردم اتفاقی تازه نیست و به ناترازی برق آگاهند اما غفلت توانیر از اطلاع رسانی به مردم درباره برنامه خاموشی ها گلایه شهروندان را به دنبال داشته است. روز شنبه - بیستم تیرماه - ساکنان مناطق مرکزی پایتخت به ویژه محدوده خیابان های ولیعصر، مطهری و قائم مقام فراخی از خاموشی طولانی مدت که بیش از چهار ساعت به طول انجامیده بود، خبر دادند؛ این خاموشی که به گفته شهروندان بیش از چهار ساعت به طول انجامید، در کنار افزایش بی سابقه گرما در هفته جاری، بر نارضایتی مشترکان برق افزود و حتی ساکنان سایر مناطق را نگران کرد که مبادا همزمان با افزایش دما، همچون سال های گذشته خاموشی های برنامه ریزی شده به پایتخت باگردد.

در نهایت پرونده خاموشی مقطعی روز بیستم تیرماه با این توضیح از سوی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بسته شد که اذعان کرده بود افزایش بار شبکه در محدوده مورد نظر باعث بروز اشکالات فنی در یکی از خطوط نیرورسانی شده بود. با این وجود، خاموشی روز شنبه پایان ماجرای قطع برق روزهای اخیر در سایر نقاط تهران نبوده است؛ برخی شهروندان از قطع برق در نیمه شب خبر می دهند و حتی گروهی از شهروندان اعلام کرده اند که پیام های اطلاع رسانی تعمیرات شبکه پراشان ارسال شده است.

بر اساس پیام های دریافتی شهروندان و مشاهدات میدانی، خاموشی های مکرر و بی برنامه در ساعات مختلف شبانه روز زیر پوست شهر در جریان است؛ هرچند مسئولان توانیر وضعیت شبکه برق را در پایتخت پایدار می دانند، می گویند که قطعی های پراکنده ناشی از حوادث فنی و سوختن ترانس ها است.

با وجود توضیحات و اطلاعیه های توانیر، گلایه شهروندان از عدم اطلاع رسانی خاموشی ها پابرجاست؛ آنها معتقدند این بی اطلاعی سبب به هم خوردن نظم زندگی روزمره آنها شده است؛ شاهد مثالی این رویداد را می توان در همان روز شنبه یافت که پس از اعلام برقراری مجدد برق مناطقی از تهران، شهروندان ساکن منطقه ۴۰ از قطع برق در این محدوده خبر دادند.

سوختن ترانس ها

در این پیوند اکبر حسن بگلو، معاون هماهنگی توزیع شرکت توانیر در گفت وگو با ایرنا با تشریح وضعیت شبکه برق پایتخت اظهار داشت: وضعیت برق در پایتخت و شهرستان های استان تهران با یکدیگر متفاوت است؛ تاکنون در محدوده تهران بزرگ خاموشی برنامه ریزی شده اعمال نشده است اما در سطح استان تهران به دلیل وجود مناطق گسترده صنعتی، شاهد خاموشی های مدیریت شده هستیم. وی با اشاره به آمار پنج میلیون مشترک در تهران بزرگ، خاموشی های اخیر پایتخت را محدود به حدود پنج هزار نفر دانست و تصریح کرد: علت این اتفاقات سوختن ترانس و حوادث محلی ناشی از فشار بار بود و ارتباطی به کمبود تولید برق نداشت.

حسن بگلو عبور موفق از تابستان را منوط به کاهش تا ۵۱۰ درصدی مصرف توسط مشترکان دانست و از نظارت شدید بر مصرف ادارات دولتی خبر داد.

با این حال، به نظر می رسد شهروندان تهرانی که طی سال های گذشته زندگی خود را با خاموشی های برنامه ریزی شده تطبیق داده بودند، اکنون بیش از هر چیز خواهان شفافیت در اعلام زمان قطعی ها هستند تا از سردرگمی در انجام امور روزمره و آسیب های احتمالی به تجهیزات برقی جلوگیری شود.

۱۲ درصدی ادارات

در همین حال کامییز ناظریان مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ با اعلام تحقق بیش از ۱۲۰ مگاوات صرفه جویی در بخش اداری تهران، بر اجرای الزامی کاهش ۳۰ درصدی مصرف برق در ساعات اداری و ۲۰ درصدی پس از پایان ساعات کاری در همه ادارات، سازمان ها و وزارتخانه ها تأکید کرد.

وی با بیان اینکه بیش از ۱۲ درصد مصرف برق پایتخت مربوط به ادارات استان تهران است و مدیریت مصرف در این بخش تأثیر بسزایی در پایداری شبکه برق دارد، افزود: با اجرای برنامه های پایش و مدیریت مصرف، تاکنون بیش از ۱۲۰ مگاوات صرفه جویی بالغ بر ۶۰ درصد انتظارات در بخش اداری محقق شده است. اما استمرار افزایش میزان صرفه جویی این روند مستلزم همکاری کامل تمامی دستگاه های اجرایی است.

ناظریان با اشاره به دستورالعمل های ابلاغی مدیریت مصرف تصریح کرد: تمامی ادارات موظف هستند حداقل ۳۰ درصد کاهش مصرف برق در ساعات اداری و ۲۰ درصد کاهش مصرف پس از پایان ساعات کاری را محقق کنند تا امکان تأمین برق پایدار برای تمامی مشترکان فراهم شود.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ با بیان اینکه تمامی ادارات شهر تهران به کنتورهای هوشمند مجهز هستند، خاطر نشان کرد: میزان مصرف برق این مشترکان به صورت برخط و از طریق سامانه های هوشمند شرکت رصد می شود و در صورت عدم رعایت دستورالعمل های مدیریت مصرف، برق مشترکان پرمصرف در بخش های اداری و سایر اصناف مشمول طرح، مطابق ضوابط ابلاغی محدود و قطع خواهد شد.

وی در پایان با تأکید بر آمادگی کامل صنعت برق برای تأمین برق پایدار در روزهای گرم سال گفت: همراهی دستگاه های اجرایی، اصناف و مشترکان در اجرای برنامه های مدیریت مصرف، نقش مؤثری در حفظ پایداری شبکه و توزیع عادلانه انرژی در پایتخت خواهد داشت.

آرمان ملی - صدیقۀ بهزادپور: در حالی که تابستان معمولاً فصل تنوع رنگ، طعم و وفور میوه های تازه در بازار است، این روزها بخش بزرگی از خانواده ها نه تنها از این تنوع بهره مند نیستند، بلکه حتی توان خرید ساده ترین میوه های فصل را هم از دست داده اند. آنچه زمانی به عنوان بخشی ثابت و بدیهی از سبد غذایی خانوار شناخته می شد، اکنون برای بسیاری از مردم به کالایی لوکس و دست نیافتنی تبدیل شده است. افزایش شتابان قیمت ها در بازار میوه، در شرایطی رخ می دهد که پیش تر بسیاری از اقلام اساسی دیگر نیز از دسترس خانوارها خارج شده بود و حالا به نظر می رسد نوبت به میوه رسیده است، کالایی که نه فقط در معیشت روزمره، بلکه در سلامت عمومی خانواده ها نیز نقش مهمی دارد. کارشناسان معتقدند: تداوم این وضعیت، به ویژه در اقتصاد که فشار تورمی بر معیشت مردم سنگینی می کند، می تواند به حذف تدریجی میوه از سفره خانوارها بینجامد؛ روندی که پیامدهای آن تنها اقتصادی نیست و می تواند به کاهش کیفیت تغذیه، افزایش آسیب پذیری سلامت و تعقیق شکاف میان درآمد و هزینه منجر شود.

گرانی از مبدا تا مقصد

به گزارش «آرمان ملی»، با وجود اینکه تصور همگان بر این است که در تابستان و فصل برداشت میوه ها، باید کاهش قیمت نسبی داشته باشند، اما مشاهده قیمت این اقلام در مراکز توزیع سطح شهرها خریداران را با شوک مواجه کرده است. بررسی روند های عرضه و تقاضا در میدان مرکزی میوه و تره بار تهران نشان می دهد ورود انبوه محصولات فصل به بازار، نه تنها به تعدیل نرخ ها منجر نشده، بلکه شکاف عمیقی را میان قیمت مصوب عمده فروشی و نرخ نهایی خرده فروشی به نمایش گذاشته است؛ وضعیتی که بیش از هر چیز، ناآرامی ابزارهای از کارشناسان در این صنف، سقف مجاز برای اعمال حاشیه سود خرده فروشی و هزینه های جانبی نظیر حمل و نقل و اجاره بها، حداکثر ۳۰ تا ۳۵ درصد نسبت به نرخ عمده فروشی تعیین شده است. اما مشاهدات میدانی از سطح شهر حاکی از آن است که این فرمول در عمل نادره گرفته می شود؛ بسیاری از مناطق شهری، فاصله قیمتی میان میدان مرکزی و مغازه های خرده فروشی به بیش از ۱۰۰ درصد می رسد که حیایت از این می کند که نظارت های سنتی و توزیعی نتوانسته اند حاشیه سود زنجیره توزیع را مهار کنند و عملاً بار تورم ناشی از هزینه های لجستیک و واسطه گری به دوش مصرف کننده نهایی منتقل می شود. به گفته فعالان در بازار، تازمانی که مکانیزم توزیع از ساختار سنتی و دلال محور به سمت شبکه های مستقیم و زنجیره ای حرکت نکند و نظارت بر حلقه های میانی بازار جایگزین کنترل فیزیکی خرده فروشان نشود، بازار میوه حتی در فصل وفور نیز از ثبات قیمتی محروم خواهد ماند و مصرف کننده نهایی همچنان قربانی اصلی این خرجه ناآرامد خواهد بود.

گرانی میوه یا بی پای تورم

... کارگر، رئیس سابق اتحادیه فروشندگان میوه و تره بار، در این باره به «آرمان ملی» گفت: البته گرانی میوه را باید در امتداد گرانی عمومی در کشور دید، و نباید به عنوان پدیده ای جداگانه بررسی شود، چرا که همان طور که قیمت بسیاری از کالاهای اساسی افزایش یافته، میوه نیز از این موج تورمی مستثنی نیست. در عین حال او ضمن تأیید ضمنی گرانی بیش از حد میوه در بازار گفت: در این شرایط مردم حتی با قیمت های متوسط هم برای خرید برخی میوه ها دچار تردید می شوند، رسیدن قیمت برخی اقلام به سطوح بسیار بالا عملاً بخش بزرگی از مصرف کنندگان را از بازار حذف می کند و در نتیجه هرچه قیمت بالاتر می رود، قدرت خرید پایین تر می آید و تقاضا نیز به ناچار کاهش پیدا می کند؛ مسئله ای که به طور مستقیم بر الگوی مصرف

گزارش «آرمان ملی» از گرانی میوه در فصل برداشت میوه

از نرخ مصوب تا بهای نجومی میوه در بازار



خانوار اثر گذاشته است.

عرضه و تقاضا

اودر پاسخ به این سؤال که چه عاملی باعث قیمت های بسیار متفاوت یک میوه با کیفیتی یکسان در مراکز فروش مختلف می شود گفت: در میدان مرکزی میوه و تره بار، قیمت گذاری بیشتر بر پایه عرضه و تقاضا شکل می گیرد و معیار ثابت و شفافی که بتواند مبنای یک نظام نظارتی منسجم باشد، به روشنی دیده نمی شود. این نگاه، اگرچه از نظر اقتصادی در ظاهر قابل درک است، اما در شرایطی که بازار با نوسان شدید و فاصله زیاد میان تولید تا مصرف روبه روست، می تواند زمینه ساز گسیختگی قیمت و بی ثباتی بیشتر شود. وقتی قیمت در مبدأ بر اساس منطق بازار آزاد تعیین شود و در مقصد نیز نظارت مؤثر و مستند وجود نداشته باشد، نتیجه چیزی جز افزایش فاصله میان قیمت واقعی و قیمت نهایی برای مصرف کننده نخواهد بود.

بدون نظارت و فاکتور

اما بخش نگران کننده تر مسئله نبود نظارت و مستندات در این بخش در برخی از بهای خاص است. او در این باره گفت: پس از خروج میوه از میدان مرکزی، نظارت بر قیمت فروشندگان سطح شهر باید بر اساس فاکتور خرید انجام شود، اما در عمل بسیاری از بارفروشان فاکتور ارائه نمی کنند. به تعبیر او، در مواردی حتی نیمی از فروشندگان یا بیشتر از صدور فاکتور خودداری می کنند و همین مسأله، عملاً مسیر هرگونه کنترل رسمی بر قیمت را مسدود می سازد. نبود فاکتور، به ویژه در زنجیره ای که از میدان تا مغازه امتداد دارد، باعث می شود نه تنها امکان پیگیری قانونی از بین برود، بلکه نظم بازار نیز از همان مبدأ دچار اختلال شود. به گفته کارگر، تازمانی که فاکتور به عنوان سند اصلی معامله جدی گرفته نشود، نظارت نیز بیش از آنکه واقعی باشد، صوری خواهد ماند. او با اشاره به تلاش در زمان مسئولیت خود برای الزام بارفروشان به صدور فاکتور ادامه داد: تلاش هایی من با وجود نامه نگاری، پیگیری و طرح موضوع در نهادهای مختلف، به نتیجه مؤثر نرسید. مقررات مربوط به این موضوع در برخی نهاد ها از جمله سازمان صمت، استانداری و سندیکاهای مرتبط تصویب یا ابلاغ شده، اما در مرحله اجرا همکاری لازم از سوی برخی فعالان بازار وجود نداشته است. نتیجه این ناهماهنگی، شکافی است که میان قانون و واقعیت بازار شکل گرفته؛ شکافی که هم به زیان مصرف کننده تمام می شود و هم اعتبار ساختارهای نظارتی را زیر سؤال می برد.

از هم گسیختگی بازار

رئیس سابق میوه و تره بار اضافه کرد: بازار میوه، مانند بسیاری از بازارهای کالایی در کشور، به شدت از نوسان های عمومی اقتصاد، هزینه حمل و نقل، هزینه تولید، واسطه گری و ضعف زیرساخت های توزیع تأثیر می پذیرد. اما زمانی که این عوامل با نبود سند معتبر، نبود نظارت کارآمد و فقدان شفافیت در قیمت گذاری همراه می شوند، نتیجه چیزی فراتر از تورم عادی خواهد بود؛ نوعی گسیختگی بازار که هم به تولید کننده و هم به مصرف کننده لطمه می زند. تولید کننده از نداشتن سازوکار روشن فروش آسیب می بیند و مصرف کننده از قیمت های غیر قابل تحمل. در این میان، بیشترین فشار بر دوش خانوارهایی می افتد که پیش تر نیز زیر بار افزایش هزینه های خوراک، اجاره، درمان و سایر نیازهای ضروری، توان اقتصادیشان به شدت کاهش یافته است.

پیامدهای اقتصادی و اجتماعی

این گزارش می افزاید: تغییر عادت های روزمره، حذف تدریجی برخی اقلام از سفره مردم و افزایش گرانی درباره سلامت خانوارها، هر روز با اقلام اساسی و غیر اساسی بیشتری تشدید می شود و اگر سازوکار نظارت، شفافیت در صدور فاکتور و الزام به پاسخ گویی در زنجیره توزیع تقویت نشود، قطعاً میوه نیز حتی در اقلام بسیار معمولی آن مانند خیار، هویج و... نیز به محصولات دست نیافتنی می پیوندند. به گفته صاحب نظران در این زمینه، آنچه بیش از هر چیز ضروری به نظر می رسد، بازگشت به یک نظم حداقلی در قیمت گذاری، شفافیت در معامله و نظارتی است که نه روی کاغذ، بلکه در عمل بتواند از حقوق مصرف کننده دفاع کند. قطعاً این مهم فقط از نظر اقتصادی قابل بررسی نیست، چرا که وقتی یک کالای پرمصرف و مهم مانند میوه از سبد خانوار حذف می شود، اثر آن به تدریج در حوزه تغذیه، سلامت عمومی و حتی الگوهای مصرف جامعه دیده می شود. میوه یکی از اصلی ترین منابع ویتامین ها، فیبر و مواد مغذی است و کاهش مصرف آن می تواند در بلندمدت هزینه های پنهان بیشتری بر نظام سلامت تحمیل کند. از این رو، مسأله میوه فقط یک بحث صنفی یا بازاری نیست، بلکه به کیفیت زندگی و امنیت غذایی خانوارها نیز گره خورده است. در چنین شرایطی، ناتوانی در مهار گرانی و نبود شفافیت در قیمت گذاری، بیش از پیش نگاه افکار عمومی را متوجه ضعف نظارت و بی ثباتی در زنجیره توزیع می کند.

انتقال سهمیه سوخت به کارت بانکی کلیلد خور

پخش فرآورده های نفتی اوایل تابستان امسال اعلام کرد در صورت تصویب آیین نامه اجرایی توسط هیئت وزیران، این شرکت آمادگی اجرای طرح را در نشست های متعددی میان دستگاه های مسئول برگزار شده و پیش نویس آیین نامه در کمیسیون اقتصادی دولت در دست بررسی است. از سوی دیگر وزارت نفت اعلام کرد با اصلاح زیرساخت ها، طرح تا پایان شهریور به بهره برداری خواهد رسید.

رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز سال گذشته اعلام کرد با مصوبه کمیسیون تفلیق در سال ۱۴۰۵، ۱۰۰ درصد سهمیه بنزین از کارت سوخت افراد به کارت بانکی آنها منتقل خواهد شد؛ موضوعی که در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ نیز سقف انتقال آن ۱۰۰ درصد تعیین شده است. به این ترتیب، برخلاف سال های گذشته که طرح در حد پیشنهاد باقی می ماند، این بار چارچوب زمانی و قانونی مشخصی برای بانکی را فراهم کند و آیین نامه اجرایی آن نیز تا پایان اردیبهشت به تصویب برسد. با وجود این الزام قانونی، مسئولان تأکید کردند اجرای طرح به آماده سازی زیرساخت ها و رفع ملاحظات امنیتی وابسته است. مدیرعامل شرکت ملی



کارت بانکی به کارت سوخت اجرایی نشد.

بر اساس قانون بودجه ۱۴۰۴، وزارت نفت مکلف شده بود با همکاری بانک مرکزی طرف چهار ماه از ابتدای سال امکان انتقال سهمیه سوخت به کارت بانکی را فراهم کند و آیین نامه اجرایی آن نیز تا پایان اردیبهشت به تصویب برسد. با وجود این الزام قانونی، مسئولان تأکید کردند اجرای طرح به آماده سازی زیرساخت ها و رفع ملاحظات امنیتی وابسته است. مدیرعامل شرکت ملی

نکته

معادن در تنگنای تأمین مواد ناریه

در حالی که قطعی برق و ناترازی انرژی طی ماه های گذشته به یکی از دغدغه های اصلی بخش تولید تبدیل شده بود، اکنون معادن ایران با چالش دیگری روبه روهستند؛ کمبود مواد ناریه که به گفته عضو کمیسیون معدن اتاق ایران، به گلوگاه اصلی استخراج تبدیل شده و ادامه این وضعیت می تواند تأمین مواد اولیه فولاد و صادرات را تحت تأثیر قرار دهد. مهرداد اکبریان - عضو کمیسیون معدن اتاق بازرگانی ایران - در گفت وگو با ایسنا، با اشاره به وضعیت معادن و زنجیره معدن و فولاد در ماه های اخیر، اظهار کرد: هر چند موضوع ناترازی انرژی و قطعی برق همچنان از مسائل مهم بخش تولید است، اما در حال حاضر کمبود برق دیگر مهم ترین دغدغه بخش معدن محسوب نمی شود. امروز تقریباً تمامی معادن، اعم از سنگ آهن و سایر معادن، با کمبود شدید مواد ناریه مواجه هستند و این مسأله به بزرگ ترین گلوگاه تولید تبدیل شده است.

وی افزود: مواد ناریه یا به سختی تأمین می شود یا با قیمت های بسیار بالا در اختیار معادن قرار می گیرد و همین موضوع باعث شده بسیاری از معادن نتوانند نیاز واقعی خود را تأمین کنند. بعد از اتفاقات یکی دو ماه گذشته، همه بر ضرورت واردات فوری این مواد تأکید داشتند، اما تاکنون نه بخش دولتی و نه بخش خصوصی موفق به رفع این مشکل نشده اند. رئیس انجمن سنگ آهن ایران ادامه داد: با وجود برگزاری جلسات متعدد با دستگاه های مختلف، همچنان موانع اداری، بروکراسی، اخذ مجوزها و هماهنگی میان نهادهای مختلف، مانند گمرک، وزارت صمت و سایر دستگاه ها پابرجاست. از سوی دیگر، در شرایط تحریم و فضای پس از جنگ نیز تأمین مواد ناریه از خارج کشور با دشواری و هزینه های بسیار بیشتری همراه شده است.

کمبود گازوئیل

اکبریان با بیان اینکه پس از مواد ناریه، کمبود گازوئیل مهم ترین مشکل معادن است، تصریح کرد: برق و گاز در اولویت های بعدی قرار دارند. البته تا زمانی که مواد ناریه در دسترس نباشد، مشکل سوخت کمتر خود را نشان می دهد، اما به محض تأمین این مواد، کمبود گازوئیل به مهم ترین مانع فعالیت ماشین آلات معدنی تبدیل خواهد شد. وی با اشاره به آثار این مشکلات بر زنجیره معدن و فولاد گفت: کاهش تولید فولاد به معنای کاهش تولید کنسانتره، گندله، آهن اسفنجی و در نهایت افت استخراج سنگ آهن است. همه حلقه های این زنجیره به یکدیگر وابسته هستند و اختلال در هر بخش، کل زنجیره را با مشکل مواجه می کند.

عضو کمیسیون معدن اتاق بازرگانی ایران درباره وضعیت صادرات نیز اظهار کرد: در حال حاضر صادرات محصولات معدنی با چالش های جدی روبه روست. افزایش قابل توجه هزینه حمل و نقل دریایی، محدودیت های موجود در جابه جایی کالا و کاهش امکان صادرات، فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرده است. علاوه بر این، برخی خریداران خارجی از جمله چین از شرایط موجود استفاده می کنند و حاضر نیستند محصولات را با قیمت های متصفانه خریداری کنند. وی با اشاره به مشکلات نقدینگی واحدهای تولیدی افزود: یکی دیگر از چالش های مهم امروز، کمبود سرمایه در گردش است. بسیاری از کارخانه هایی که در سال های گذشته عملکرد مناسبی داشتند، اکنون حتی در پرداخت حقوق کارگران خود با مشکل مواجه شده اند و برخی واحدها چند ماه معوقات مزدی دارند. در چنین شرایطی، نظام بانکی نیز توانسته حمایت مؤثری از بخش تولید انجام دهد.

تصمیمات مقطعی

اکبریان با تأکید بر اینکه تصمیمات مقطعی دیگر پاسخگوی مشکلات فعلی نیست، گفت: امروز باید مجموعه شرایط سیاسی، اقتصادی و تولیدی کشور به صورت هم زمان دیده شود. مهم ترین مسئله ای که اکنون بخش تولید را آزار می دهد، نبود قطعیت نسبت به آینده است و این موضوع برنامه ریزی و سرمایه گذاری را با مشکل مواجه کرده است. وی خاطر نشان کرد: حل مشکلات موجود نیازمند همکاری هم زمان دستگاه های مختلف، وزارتخانه ها و تشکیلات تخصصی است. باید برای چند ماه آینده برنامه ای عملیاتی تدوین شود تا ضمن تقویت صادرات، مدیریت تأمین انرژی و نهادهای تولید و حمایت از سرمایه در گردش واحدها، از تشدید مشکلات در زنجیره معدن و فولاد جلوگیری شود.